# کارکرد اجتماعی دین در دوران کنونی چیست؟

**آنچه می خوانید:**

[کارکرد اجتماعی دین در دوران کنونی چیست؟ 1](#_Toc66107287)

[جستارگشائی 1](#_Toc66107288)

[عقلانیت زدائی، دانش‌ستیزی و خرافه‌گستری 3](#_Toc66107289)

[ستیز با هنر و آفرینندگی 7](#_Toc66107290)

[تناقض‌پذیری 7](#_Toc66107291)

[بازداری از اندیشه در پرسش‌های وجودی 8](#_Toc66107292)

[خودحق‌پنداری و نارواداری 8](#_Toc66107293)

[ستیز با آزادی فردی 9](#_Toc66107294)

[توجیه و تبلیغ نابرابری و تبعیض 10](#_Toc66107295)

[ستیز با برابری زن و مرد 11](#_Toc66107296)

[ستیز با اندیشیدن سنجشگرانه 13](#_Toc66107297)

[تقدس‌آفرینی، جزم‌اندیشی و سازش‌ناپذیری 13](#_Toc66107298)

[توجیه جنایت،خشونت، تهمت و دروغ 14](#_Toc66107299)

[از کار انداختن احساس و وجدان 19](#_Toc66107300)

[توجیه بی‌عدالتی اجتماعی 19](#_Toc66107301)

[حیوان‌پنداری غیرهم‌کیشان 19](#_Toc66107302)

[«ما» و «آنها» کردن‌های غیرانسانی و ویران‌ساز 20](#_Toc66107303)

[تن‌پروری و امید واهی 20](#_Toc66107304)

[دست‌اندازی به مراسم و آیین‌های مردم 22](#_Toc66107305)

[جمع‌بندی 22](#_Toc66107306)

## جستارگشائی

کارکرد اجتماعی دین در دوران کنونی چیست؟ قبل از اینکه این نوشته را بخوانید، به اندازه کافی روی موضوع فکر کنید و سپس به این نوشته برگردید. با مهر، کارکرد فردی دین را که با آزادی کامل اندیشه، ایدئولوژی و دین، بی‌شک باید تضمین شود و نیاز عده‌ای به دین برای آرامش است، با تحمیل احکام دین یا مذهبی ویژه بر همه‌ی مردم یک جامعه، یکی نگیرید.

دین و مذهب به‌عنوان مجموعه‌ای سازمان‌یافته و یکپارچه از باورها، رفتارها، هنجارها و ماسک‌ها در همه جامعه‌ها وجود داشته و دارد. برای پرسش‌ها و نیازهای فردی و اجتماعی پاسخ‌ها، آداب و رسوم گوناگون و گاه متضاد ارائه می‌کند. نظریه‌های روانشناسی دین بر تجربه‌های ذهنی فرد تمرکز دارند و نظریه‌های جامعه شناسی دین بر سازوکارهای اجتماعی آن. این نوشته نظری سیاسی به دین دارد و در پی پاسخ دادن به این پرسش است که محدوه‌ی کارکرد دین در جامعه معاصر کجاست؟ آیا دین می‌تواند به‌نام قوانین الهی برای قانونگذاری و اداره سیاسی جامعه‌ی مدرن بکار گرفته شود و یا باید به قوانین وضعی روی آوریم؟

درک پدیده دین و چگونگی تنظیم رابطه فرد و جامعه با آن برای درک گذار از جامعه سنتی استبدادی، تنگ‌نظری و فقر، به جامعه مدرن دموکراسی، کرامت انسان و رفاه، کلیدی است. جامعه‌شناسان کلاسیک به کارکرد اجتماعی دین و مذهب پرداختند، اما برای نیازردن مومنان بخشی از کارکردهای آنرا ناگفته گذاشته و یا چنان محترمانه فرمولبندی کردند که ویژگی راستین و ناروادارنه و واپسگرای آن پنهان می‌ماند.

کارل مارکس (‎۱۸۱۸ - ۱۸۸۳)، امیل دورکیم (۱۸۵۸ - ۱۹۱۷) و ماکس وبر (۱۸۶۴ - ۱۹۲۰)[[1]](#footnote-1)، نظریه پردازان کلاسیک اجتماعی، بینش‌هایی را ارائه می‌دهند که به ترتیب دیدگاه های انتقادی، کارکردگرایانه و تفسیری در مورد نفش دین در جامعه است. هر سه تن پیش‌بینی می‌کردند که فرایندهای عرفی‌سازی مدرن به تدریج اهمیت دین را در زندگی روزمره از بین می‌برد. نظریه‌پردازان جدیدتر مانند پیتر برگر (۱۹۲۹ - ۲۰۱۷)، رودنی استارک (زاده ۱۹۳۴) و جان کاپوتو (زاده ۱۹۴۰)[[2]](#footnote-2) تجربیات معاصر دین را بررسی کردند، از جمله به دلایل دوباره مطرح شدن دین در کشورهای جهان سوم پرداختند.

امیل دورکیم، جامعه‌شناس برجسته فرانسوی، وقتی عملکرد دین و مذهب در جامعه را مورد مطالعه قرار می‌دهد، با شگفتی می‌بینیم که نیاز و ناگزیری وجود اندیشه‌های مختلف و برداشت گوناگون از مذهب در جامعه از سو، و تقدس‌گرایی و استعداد شگرف مذهب به کاربرد قهر و خشونت برای حذف دیگران را که در سراسر تاریخ مذهب‌ها، به ویژه مذهب‌های ابراهیمی روشن و آشکار است را، نمی بیند. او در سراسر نوشته‌هایش بر نقش یکپارچه‌سازی اجتماعی[[3]](#footnote-3) مذهب در جامعه پافشاری دارد. دیگر جامعه‌شناسان به تبیین پدیده‌های چون جنگ صلیبی، باورکاوی کاتولیک‌ها، قتل‌عام‌های مذهبی، خشونت‌های چون خشونت‌های جمهوری اسلامی ایران و سودان، طلبان، داعش و بوکوحرام که ریشه آشکار مذهبی دارند، باید و شاید، نمی‌پردازند.

اگر شکل‌گیری مذهب به عدم‌آگاهی توده‌ها از قوانین پدیده‌های طبیعی بر می‌گردد، بازگشت مذهب در دوران جدید، به عدم آگاهی توده‌ها به قوانین اجتماعی و اقتصادی در نتیجه استعمار و استثمار سرمایه‌داری و جهانی شدن آن و عدم اطلاع از اندیشه‌های واقعی مذهب و عملکرد مذهب در تاریخ بر می‌گردد.

روی کار آمدن جمهوری اسلامی در در ایران و تشکیل دولت‌های اسلامی طالبان و داعش و قدرت گرفتن بوکوحرام و حوثی‌ها برای جوابگوئی به نیاز تاریخ و جامعه نبود. در دوران سلطه امپریالیسم پس از استعمار و غارت کشورهای جهان سوم و اختلاف فاحش سطح زندگی غرب پیشرفته و شرق عقب مانده، بر بستر ارزیابی غلط از توان مذهب در حل مشکلات و از یاد بردن نیروی تخریبی آن در سده‌های میانه و صد چندان شدن این قدرت تخریب با مجهز شدن به سلاح کشتار جمعی و افزایش نیروی تحمیق مذهب با مجهز شدن به وسایل ارتباط جمعی و اجتماعی بود (به ویدئوی‌های رهبران ج.ا. . روحانیون مسلمان، و تبلیغات ج.ا. برای کشورهای جهان سوم، به مداحی‌ها و روضه‌ها و به ویژه به محتوی تحمیق کننده و خرافاتی آن‌ها دقت کنید و به ویدئوهای تبلیغی داعش برای جوانان جهان سومی در اروپا توجه کنید).

دین در جامعه‌های دوران معاصر ویژگی‌هائی دارد که از ماهیت شکل‌گیری آن سرچشمه می‌گیرد. دین برای پاسخ‌گوئی به مشکلات در دورانی بوجود آمد که شناخت بشر از قوانین طبیعی واجتماعی و دید انسان به کرامت و آزادی انسان در سطح بسیار نازل بود.

راه حل مشکلات آن دوران، دیدگاه انسانِ آن دوره درباره سرشت طبیعت و انسان، تا چه حد در حل مشکلات امروز موثر است؟ به برخی از این ویژگی‌ها ادیان و مذاهب نظری بیندازیم:

## عقلانیت زدائی، دانش‌ستیزی و خرافه‌گستری

در دوران باستان پدیده‌های طبیعی و اجتماعی بدون بکارگیری آزمایش‌های تجربی با باورهای خرافی و مذهبی توضیح داده می‌شد. مذاهب حکومت هم می‌کردند و شیوه‌ی زمامداری آنها، پاکسازی مذهب‌های دیگر، نواندیشان و دگراندیشان بود. رواداری، سکولاریسم و توضیح علمی نمودهای طبیعی و اجتماعی پدیده‌ای جدید است.

همان‌گونه که نوشتن، خواندن و رانندگی کردن را ما از پدر و مادر به ارث نمی‌بریم، آگاهی علمی واجتماعی را هم به ارث نمی‌بریم. از این‌رو، حتی پس از دوره‌ی نوزایی[[4]](#footnote-4) و عصر روشنگری[[5]](#footnote-5)، دانش همه لایه‌های جامعه را همیشه سیراب نمی‌کند. خرافات و مذهب که جواب عوام‌پسندانه، ساده و روشن ولی، نادرست و نادقیق دارند، هنوز امکان رشد دارند، به ویژه با گسترش رسانه‌های اجتماعی و امکانات گسترده‌ی دروغ‌پراکنی[[6]](#footnote-6) و خبرنگاری زرد از سوی دولت‌ها و مذاهب.

نوزایی، روشنگری و اکتشافات علمی از پدیده‌های طبیعی و اجتماعی افسون‌زادئی کردند. در یک روند دائمی با تکیه بر محاسبه‌ی ریاضی، علمی و کنترل فنی درک‌های جادویی و خرافی از جهان را با نظریه‌های علمی و تجربی جایگزین کردند. نادرستی ادعاهای مذهبی در باره پدیده‌های طبیعی و اجتماعی و تاریخی آشکار شد. اما، مذهب‌ها و یا دقیق‌تر روحانیون، از تک و تا نیفتادند. با بهره‌گیری از امکانات رسانه‌های اجتماعی نوین، پدیده‌های طبیعی و اجتماعی را افسون‌فزائی[[7]](#footnote-7) می‌کنند. به بیانی دیگر به گسترش خرافات از رادیو، تلویزیون و رسانه‌های اجتماعی می‌پردازند. رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران نمونه‌ای از این خرافه‌گستری است.

کلیسا با نظریه‌ی مدل خورشیدمرکزی و گردش زمین دور خورشیدِ نیکلاس کوپرنیک که گالیله آنرا با تلسکوپ مشاهده و ثابت کرد مخالفت کرد و گالیه را محاکمه کرد، مجبور به اعتراف و رد دستاوردهای علمی خویش کرد و بقیه‌ی عمرش را در حصر خانگی بسر برد، زیرا در کتاب مقدس چیز دیگری نوشته شده بود.

کلیسای کاتولیک همواره با عرفی‌کردن، استدلال علمی و روش‌های پژوهش عقلانی، با سلاح تفتیش عقاید و تکفیر مبارزه کرد. تا جایی که در آغاز قرن بیستم، پاپ پیوس دهم (۱۸۳۵ - ۱۹۱۴)[[8]](#footnote-8) در [بخشنامه‌ای](http://www.vatican.va/content/pius-x/en/encyclicals/documents/hf_p-x_enc_19070908_pascendi-dominici-gregis.html) مدرنیزاسیون را "دشمن مسیحیت" معرفی کرد و "شورای هوشیاری"[[9]](#footnote-9) مخفیانه‌ای برای پاکسازی آموزه‌های کلیسا از عناصر مدرنیسم به همه‌ی اسقف‌نشین‌ها اعزام کرد. او استدلال می‌کرد که ایمان واقعی به واقعیت‌های الهی مربوط می شود که برای علم کاملاً ناشناخته است.

حضرت محمد در قرآن از قول خدا می‌گوید در قرآن تضیح در باره همه چیز وجود دارد. دقت کنید، نمی‌گوید توضیح همه چیز برای هدایت بشر، بلکه می‌گوید توضیح همه چیز به‌طور عام وجود دارد:

وَنَزَّلْنَا عَلَیكَ الْكِتَابَ تِبْیانًا لِكُلِّ شَیءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِینَ (سوره ۱۶،النحل، آیه‌ی ۸۹)

و این كتاب را بر تو نازل كردیم كه روشنگر همه چیز است و براى مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت است.

این آیه رهنمودهای فراوان برای یک مسلمان دارد. از آن میان:

لازم نیست کتاب‌های دیگر غیر از قرآن را بخوانند، قرآن همه چیز باز می‌نماید و توضیح می‌دهد.

کتاب‌های دیگر غیر از قرآن لازم نیست. از این‌رو مسلمانان پس از یورش به تمدن‌های بزرگ (که امروزه با تجربه داعش، طالبان و جمهوری اسلامی آن‌را بهتر درک می‌کنیم) دوران پیدایش اسلام، چون ایران، روم شرقی و مصر، تمام کتابخانه‌های این تمدن‌های بزرگ بشری را آتش زدند.

در قرآن از تفکر و علم هم صحبت شد. ولی تفکر به معنی تفکر مستقل نیست، بلکه هشدار دادن و القای فکر اندیشیدن در چاچوب قرآن است. منظور از علم هم فقط علم دینی است. یعنی سفسطه‌هایی که تناقضات و اشتباهات فاحش و نادادگری و خشونت‌های غیرانسانی قرآن را توجیه می‌کند.

این ادعا را بعدها متکلمین و مبلغان اسلام به روشنی باز کردند. در تفسیر عیاشی می‌خوانیم:

- قال النبی: من ابتغى العلم فی غیره أضله الله ([تفسیر عیاشی ۱/۶](http://lib.eshia.ir/12013/1/6))

برگردان: كسی كه برای علم به غیر از قرآن مراجعه كند خدا او را گمراه می كند.

مولوی بزرگ بی‌نیازی مسلمانان از کتاب‌ها و غلوم روشن‌تر نشان‌می‌دهد:

خرده‌کاری‌های علم هندسه یا نجوم و علم طب و فلسفه

کان تعلق با همین دنیاستش ره به هفتم آسمان بر نیستش

این همه علم بنای آخور است که عماد[[10]](#footnote-10) بود[[11]](#footnote-11) و گاو و اشتر است

بهر استبقای[[12]](#footnote-12) حیوان چند روز نام آن کردند این گیجان رموز

علم راه حق و علم منزلش صاحب دل داند آن را با دلش

در جای دیگر مولوی بزرگ با عفت کلام بی‌نظیری که ویژه مومنان اسلامی است، می‌فرماید:

زاهد ششصد هزاران ساله را پوزبندی ساخت آن گوساله را

تا نتاند شیر علم دین کشید تا نگردد گرد آن قصر مشید[[13]](#footnote-13)

علم‌های اهل حس شد پوزبند تا نگیرد شیر از آن علم بلند

منظور مولوی بزرگ این است همان‌گونه كه پوزبند مانع رسیدن گوساله به شیر از پستان مادر می شود، علوم تجربی و علوم مبتنی بر حس‌های پنجگانه هم پوزبندی است برای اندیشمند و پژوهشگر در رسیدن به حقیقت.

یکی از برتری‌ها و حتی معجزه‌ی حضرت محمد بی‌سوادی اوست و در اسلام بی‌سوادی را بسیار ستوده‌اند. خدا در قرآن، بی‌سوادی محمد را یکی از دلایلِ اثبات حقانیت او می‌شمارد:

وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِیمِینِكَ إِذًا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ (سوره ۲۹: العنكبوت، ۴۸)

و تو هیچ كتابى را پیش از این نمى‏ خواندى و با دست خود كتابى نمى ‏نوشتى و گر نه باطل‏‌اندیشان قطعا به شك مى‏ افتادند (سوره عنكبوت، آیه‌ی ۴۸)

جای خوشبختی است که مردم ایران هرچند قرآن را بارها ختم می‌کنند، عربی نمی دانند تا بفهمند قرآن در باره پدیده‌های طبیعی چه می‌گوید وگرنه خرافاتی دردناک در جامعه پا می‌گرفت. اظهارات خرافاتی و ضدعلمی قرآن از آن میان در باره پدیده‌های زیر قابل توجه است:

انسان با قلب فكر می‌کند نه مغز. (حج، ۴۶)

آسمان دارای سقف است که بالا نگه داشته شده است و ستون‌های نگهدارنده دارد، یكدست و بدون روزنه است و هفت طبقه دارد. (انبیاء، ۳۲، غاشیه، ۱۸، فاطر، ۴۱، ق، ۶، ملك، ۳)

جنین کودک در دوره‌ی ۶ ماهه حاملگی کامل می‌شود. (المؤمنون، ۱۲، احقاف، ۱۵، لقمان، ۱۴)

خلقت جهان در شش روز یا هشت روز صورت گرفت. یک جا گفته شده است ۶ روز و جای دیگر ۸ روز. (سجده، ۴، فصلت، ۹ – ۱۲)

خورشید حركت می كند و روز وشب را بوجود می آورد نه زمین، خورشید هر شب در چشمه‌اى تیره غروب می‌کند. (كهف، ۸۳)

زمین مسطح است. (غاشیه، ۲۰)

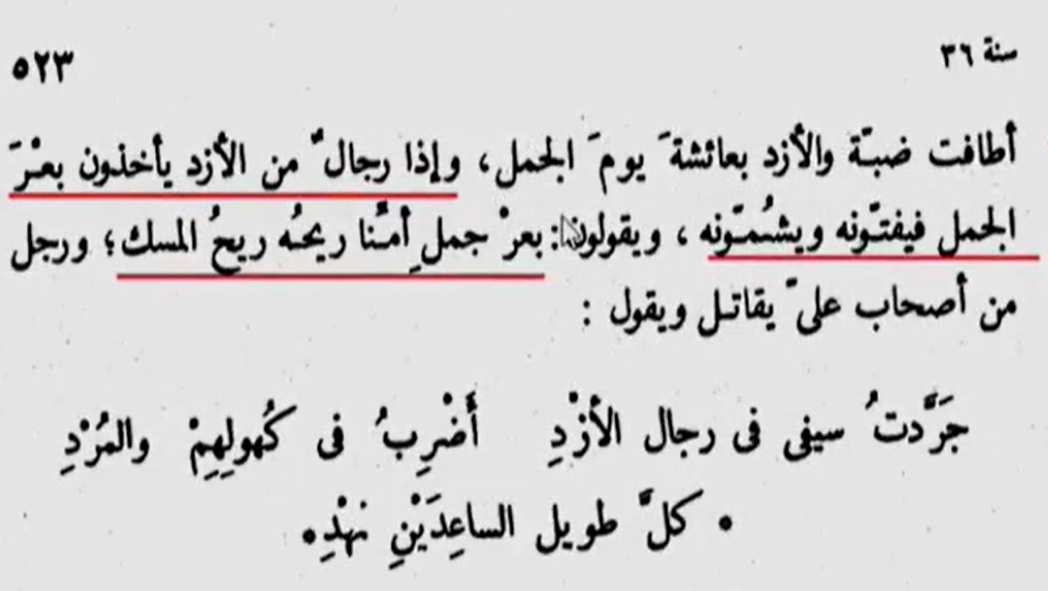
منی آب کثیف است و از بین ستون فقرات و دنده‌ها بیرون می‌آید. (سجده، ۸، اعراف، ۱۷۲)

قرآن کم و بیش هرگاه به پدیده‌های طبیعی، علمی و تاریخی اشاره کرد، نظری خرافی، ضدعلمی و نادقیق ارائه کرد.

مذهب‌ها، آئین‌ها و باورها خرافاتی فراوان دارند که با آئین‌ها و باورها خرافاتی مذهب‌های دیگر ناسازگار است و این خود سرچشمه‌ی بسیاری از درگیری‌ها و خونریزی‌هاست. همه‌ی آنها ابزاری است برای نیندیشدن پیروان آنها.

در تاریخ طبری آمده است: قبیله‌ی ضبه و ازد دور شتر عایشه در روز [جنگ] جمل می‌چرخیدند. گروهی از مردان قبیله ازد مدفوع شتر عایشه را می‌گرفتند و می‌شکافتند و بو می‌کردند و می‌گفتند: به‌به پشکل مادر ما [عایشه] خوشبو و بوی مشک می‌دهد.

نقل قول نشان می‌دهد اعتقاد و ایمان مذهبی با خردگرائی، تفکر مستقل و احساسات چه‌ می‌کند.



تصویر تاریخ طبری، جلد ۴، صفحه ۵۲۳ که ترجمه‌ی آن در بالا آمده است.

مذهب‌ها در دورانی که دانش بشر و شناخت انسان‌ها از قوانین طبیعت و جامعه بسیار ناچیز بود، شکل گرفتند. از این‌رو، آغشته به افسون، خرافه و وهم هستند. مذاهب به این آلایه‌ها تقدس بخشیدند ولی علم رازهای طبیعت و جامعه را می‌گشاید. مذهب یکی از عمده‌ترین سد وهم‌زدائی، پندارزدائی، افسون‌زادیی و خرافه‌زدائی است. به یک نمونه دیگر و جدید توجه کنید:

به دلیل مخالفت طالبان در برخی ولایت‌های افغانستان که روحانیون افغانستان معتقدند واکس فلج اطفال موجب بی‌غیرتی کودک می‌شود، نزدیک به ۴ میلیون کودک از دریافت واکسن بیماری فلج کودکان[[14]](#footnote-14) در سال جاری بازماندند. (مطبوعات بهمن ۱۳۹۹)

مومنان معتقد به خلقت نظریه‌ی تکامل داروین را رد می‌کنند نه به این دلیل خود پژوهش علمی کردند و یا این نظریه را با دقت خواندند، بلکه از این‌رو رد می‌کنند که در کتاب‌های آسمانی آنها پیدایش انسان طور دیگری توضیح داده شده است.

بنیادگرایان مسیحی گرمایش زمین را انکار می‌کنند تا در برابر خواست و اراده خدا قرار نگیرند.

مذهب مخالفت و دشمنی خود را با علم با بکارگرفتن فناوری‌های نوین ادامه می‌دهد. روش تجربی، عینی و تجربیِ علم دموکراتیک است، علم فراگیر است و خواهان آزادی بحث و تبادل نظر. علم به همه ارزش و قدرت تفکر و قضاوت می‌دهد، رهبران دینی نمی خواهند انحصار دانش و انحصار تفسیر کتاب‌های آسمانی و انحصار ارتباط با خدا و اولیا الله را از دست بدهند. به زبان دیگر هدف آنها، نابالغ شمردن مردم و داشتن اختیارِ قدرت و ثروت دنیوی ب‌نام هدایت اخروی، به نام خدا و به کام روحانیون، است.

دورکیم پاسخ‌های خرافی و غیرعلمی مذهب به پدیده‌های پیچیده را مثبت ارزیابی می‌کند. از آفریدن چند روزه‌ی کائنات تا آفریدن حوا از دنده چپ آدم.

مذهب‌های ابراهیمی در ارائه‌ی ساختار‌هایی که در همه شرایط درست و اندیشه‌کُش است، ماهرت بی‌نظیری دارند. چرا خداوند که به همه چیز قادر و آگاه است، جنگ و فلاکت و روزگار سخت برای انسان‌های نازل می‌کند؟ چرا خدا یکی را آنقدر فقیر می‌کند که نان شب ندارد و دیگری آنقدر غنی که دارائی او حد و حساب ندارد؟ جواب: برای آزمودن بندگان خود.

## ستیز با هنر و آفرینندگی

دین و مذهب با محدود کردن هنر درچارچوب تنگ‌نظرانه روحانیون لطمات جدی به هنر و آفرینش هنری زده‌اند و می‌زنند. از یک سو بخشی از خلاقیت هنرمندان و اندیشمندان را ممنوع کردند و می‌کنند و از سوی دیگر با تطمیع و تهدید آنها مجبور به خلق سوژه‌های مذهبی می‌کنند. بدین ترتیب، هنر، به‌ویژه موسیقی، ادبیات، نقاشی، معماری و مجسمه سازی آسیب‌های جبران ناپذیر از دین دیده است. کتاب‌شویان روحانیون مسلمان، تکفیرها، نابودکردن دو مجسمه مشهور بودا در بامیان، نابودکردن موزه‌های میان‌رودها به دست مسلمانان داعش، سانسور گسترده جمهوری اسلامی ایران، فقط مشتی از خروار است.

هنر نقاشی همواره در طول تاریخ همزاد انسان بوده و خواهد بود. از نقاشی روی سنگ‌ها و دیواره غار‌های انسان‌های نخستین گرفته تا نقاشی‌های سبک‌های گوناگون، وسیله‌ای برای بیان احساس و عواطف بشری بود. اسلام با موسیقی، ادبیات، مجسمه‌سازی و نقاشی سرستیز دارد.

اسلام با موسیقی، ادبیات، مجسمه‌سازی و نقاشی سرستیز دارد. اسلام آفرینش را در انحصار پروردگار می‌داند و کار هنری که آفرینش انسان است را دخالت در امر خالق می‌دانند و حرام می‌شمارد. برخی روحانیون تحسین انسان از آثار هنری چون نقاشی و مجسمه‌سازی را با بت‌پرستی یکسان می‌پندارند و با نابودکردن آثار هنری بت‌شکنی می‌کنند چون ابراهیم. دیدیم که چگونه آثار بزرگ نقاشی و مجسمه‌سازی در افغانستان طالبان نابود شدند.

اسلام با ادبیات و شعر سرستیز دارد. ستیز بنیادی اسلام از اندیشیدن، رویاکردن، شک‌کردن و نقدکردن است. این چهار کنش انسانی آغاز آفریدن و آغاز رسیدن به اندیشه و راه حل جدید است. رویاهای ژول ورن واقعیت امروز ماست. خمینی رمان «آیه‌های شیطانی» سلمان رشدی را نقد نکرد، تا او رسوا شود و مسلمانان آگاه شوند، بلکه فتوا به قتل او داد.

## تناقض‌پذیری

مذهب با دو شیوه‌ی موازی تفکر مستقل و انتقادی انسان را از کار می‌اندازد و مومن را مستعد هر کنش و هر تناقضی می‌کند. یکی اینکه همه اعتقادات و مناسک مذهب مقدس است و دیگر اینکه تنها روحانیون انحصار درک و تفسیر پیام خدا را دارند و مومنان باید نابالغی خود را بپذیرند و فتوای روحانیون اجرا کنند و مقلد وفادار آنها باشند. مومنی که به این دو اصل تن در دهد، مستعد پذیرش هر تناقضی است و آماده اجرای هر جنایتی است.

مذاهب از یک سو انسان را ستایش می‌کنند و او را تصویری از خدا می‌دانند، و یا همه‌ی آیه‌های قران به‌نام خدای رحمان و رحیم شروع می‌شود، ولی از سوی دیگر روحانیون فرمان سربریدن انسان‌هائی که مثل آنها فکر نمی‌کنند را مثل گوسفند می‌دهند (خودم به ایهام این جمله واقفم و آنرا تغییر ندادم).

## بازداری از اندیشه در پرسش‌های وجودی

دین با دادن پاسخ‌های ساده، عوامفریبانه و غیرعلمی به پرسش‌های مشکل، بنیادی و وجودی[[15]](#footnote-15) ذهن را تنبل می‌کند و کنجکاوی پژوهشی و علمی را می‌کشد. با راه حل‎های از پیش تعیین شده‌ی سده‌های و هزاره‌های از پیش برای همه امور آتی، این انجماد فکری تقویت و نهادینه می‌شود و چاره‌جوئی و ابتکار به حداقل می‌رسد.

مذهب پذیرش بی‌چون و چرا و پیروی بدون پرسش است. از این‌رو رهبران مذهبی بسته به منافع خود می‌توانند مومنان را هم برای تثبیت یک وضعیت جامعه مثل جمهوری اسلامی ایران و هم برای تغییر یک جامعه مثل سلطنت پهلوی بکار بگیرند.

خدا به انسان خرد داده است و هشدار می‌دهد که انسان نباید خردورزی کند و کنجکاوی به خرج دهد. کسانی که بخواهند قرآن را نقد کنند و یا زیر پرسش ببرند را به عذاب دنیوی و اخروی تهدید می‌کند:

وَالَّذِینَ سَعَوْا فِی آیاتِنَا مُعَاجِزِینَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِیمِ (سوره ۲۲: الحج، آیه‌ی ۵۱)

و کسانی که در نقد آیات ما می‌کوشند، برای آنکه آنرا بی‌اثر کنند محکوم به آتشِ جهنم هستند.

## خودحق‌پنداری و نارواداری

یکی از ویژگی عام دین‌ها و مذهب‌ها این است که هرکدام فکر می کنند آنها خدا را بهتر نمایندگی می‌کنند و دیگران باطل و کافر هستند. دین با خودحق‌پنداری، نارواداری، بی‌اعتمادی و دشمند بین پیروان ادیان گوناگون ایجاد کی‌کند. نفرت و دشمنی در بین مردم، همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه و بین ملت‌ها را مختل می‌کند. بسیاری از درگیری‌ها و جنگ‌ها و بسیج توده‌ها برای برادرکشی، توجیه و بهانه دینی و مذهبی دارند.

روزبه پوردادویه معروف به ابن مقفع (۱۴۵ - ۱۰۹ ه. ق.) فیلسوف و نویسنده بزرگ ایرانی در کلیله و دمنه در باب «برزویه‌ی طبیب» این خودحق‌پنداری رهبران ادیان به روشنی نقد می‌کند:

اختلاف میان ایشان در معرفت خالق و ابتدای خلق و انتهای کار بی‌نهایت و رأی هر یک بر این مقرر که من مصیبم[[16]](#footnote-16) و خصم مخطی[[17]](#footnote-17) .... هر طایفه‌ای را دیدم که در ترجیح دین و تفضیل مذهب خویش سخنی می‌گفتند و گرد تقبیح ملت خصم و نفی مخالفان می‌گشتند. به هیچ تأویل[[18]](#footnote-18) درد خویش را درمان نیافتم و روشن شد که پای سخن ایشان بر هوا بود، و هیچ چیز نگشاد که ضمیر اهل خرد آن را قبول کردی.

## ستیز با آزادی فردی

فردگرایی یا فردباوری[[19]](#footnote-19)، انسان را در مرکز توجه‌ی خود دارد و بر آزادی و خودمختاری فرد پافشاری می‌کند. هر انسانی دارای قلمروی خصوصیِ مادی، معنوی، روانی، عقیدتی و حقوقی است که بی‌نهایت ارجمند است و در هیچ شرایطی نمی‌توان و نمی‌بایست از سوی یک گروه اجتماعی، جامعه یا دولت به آن تجاوز شود.

فردگرایان به هویت و خودپنداره‌[[20]](#footnote-20)ی فردی، یعنی تصور فرد از خویش و داوریی که وی درباره‌‌‌ی ارزش‌ها و توانایی‌ها و اهداف خود دارد، ارج می‌نهند و بر این باورند که تمامی افراد بالغ، زن یا مرد، پیر یا جوان، سالم یا معلول، دارای هر رنگ پوست یا هر تعلق نژادی یا مذهبی، می‌توانند خودشان در مورد خود و زندگی شخصی خودشان تصمیم‌ بگیرند. اندیشه‌های سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی، روش زندگی، احساسات، گرایش جنسی یک فرد و ... جلوه‌هایی از فردیت انسان است.

هر فرد آزاد است که تصمیم بگیرد، چه لباسی و چگونه بپوشد یا نپوشد، چه نوشیدنی بنوشد یا ننوشد، چه غذایی بخورد یا نخورد، ریشش را بتراشد یا نتراشد، به مسجد برود یا نرود، حجب بر سر کند یا نکند و ...

ولی مذهب این آزادی‌های فردی را به رسمیت نمی شناسد. یک نفر ۴۰۰۰ سال پیش، دیگری ۲۰۰۰ سال پیش و آن دیگری ۱۴۰۰ سال پیش با خدا ارتباط مستقیم برقرار کرد. خدا هم به هر کدام دستورات مختلفی داد به یکی گفت شراب حلال و به دیگری گفت حرام است. به یکی گفت ایرادی ندارد گوشت خوک بخورید به دیگری گفت اگر گوشت خوک و شراب بخورید دیگر بنده‌ی رستگار خدا نیستید. (معلوم نیست چرا خدا فرمان‌های متفاوت داد.)

مذهب یا بهتر بگوئیم روحانیون از مومنانِ مستقل، پرسشگر و متفکر خوشان نمی‌آید. مومنان تشویق به پرسشگری و نظرداشتن نمی شوند بلکه از آنها خواسته می‌شود، اقتدا و تقلید کنند و همرنگ جماعت شوند. وگرنه چماق حد، تعزیر و تکفیر در انتظارشان است.

رشد و گسترش فردیت در جامعه در گرو آزادی فردی و رعایت عزت نفس انسان است. ولی مذهب، یا به بیان دقیق‌تر روحانیون، انسانِ بنده، مقلد، حقیر، بی‌شک و بی‌پرسش می‌خواهند که سرسپرده‌ی روحانیون باشد و آماده‌ی قبول برداشت آنها از دین و اجرای فتوا و فرمان جهاد آنها.

مذهب با تنوع و تکثر سرستیز دارد و می‌کوشد از هر گونه آفرینش فکری و هنری جلوگیری کند. همه باید یکسان فکر کنند و یا به بیان بهتر هیچکس نباید فکر کند. از آنجائی که دگرگونی و برخورد اندیشه و راه حل‌های گونا‌گون باعث رشد می‌شود، یک جامعه مذهبی جامد و ایستا است و قرن‌ها در زبان، فرهنگ، عادات، تولید و روش زندگی آن دگرگونی قابل ملاحظه‌ای شکل نمی‌گیرد.

از آنجائی که مذهب بر پیروی، تقلید و سرسپردگی تاکید دارد، مومن ریاکار می‌شود و سعی در نشان دادن ادای فرایض تعیین شده دارد و کنش‌های او در پاسخ به انتظار و اجبار محیط و مرجع تقلید است نه از احساس مسئولیت فردی و اجبار درونی خودش.

پژوهش‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد جامعه‌ها با شهروندان دارای فردیت و آزادی فردی استبدادستیز هستند.[[21]](#footnote-21) افراد با فردیت ضعیف به آسانی در یک رهبر، مذهب و یا ایدئولوژی ذوب می‌شوند تا وجود خود را با آن تعریف کنند و حاضرند با اشاره‌ی رهبر بدون هیچ پرسش یا سنجشی خود را فدا کنند. چنین افرادی به آسانی از زیر پرچم یک پدر-نماد[[22]](#footnote-22) به زیر پرچم پدر-نماد فرادست‌تر می‌روند و به آسانی تغییر مرام می‎دهند و سرسپرده پدر-نماد جدید می‌شوند.

از اینرو، مذهب‌ها و ایدئولوژی‌های تمامیت‌خواه، به شدت با فردیت و آزادی فردی مقابله می کنند و مروج یکدستی و یکسان اندیشی که همان شک نکردن، پرسش نکردن و نیندیشیدن است، هستند. آنها با انحصار حقیقت، با کنترل رسانه‌‎ها، با سانسور، با توقیف نشریات، غیرقانونی کردن سازمانهای مردم‌نهاد و با بازنشسته‌کردن،‌ حصرهای خانگی، زندان، تکفیر، طرد نو‌اندیشی و دگراندیشی، با استقلال نظری و آزادی فردی مبارزه می‌کنند.

فردیت و آزادی فردی را با خودخواهی[[23]](#footnote-23) نباید یکی گرفت. انسان فردگرا برای خود و همه‌ی انسان‌ها کرامت، حریم شخصی و حقوق اساسی قائل است. ولی، انسان خودخواه این حقوق را فقط برای خود (یا در بهترین حالت برای خود و نزدیکانش) می‌خواهد و به حقوق دیگران به‌آسانی تجاوز می‌کند. آزادی فردی ما را قوانین دموکراتیک و انسانی، ارج‌گذاری به کرامت انسانی، قلمروی شخصی و آزادی دیگران محدود می کند.

## توجیه و تبلیغ نابرابری و تبعیض

ژرفش شناخت بشری، توسعه جامعه‌شناسی، فلسفه و اخلاق مدرن ما را به سوی کرامت و ارزش برابر انسان‌ها هدایت می‌کند. اما، مذهب در صدد تبلیغ، ترویج و نگهداری نابرابری و تبعیض است: نابرابری بین مومنان و غیرمومنان به یک مذهب، نابرابری بین مرد و زن، نابرابری بین یک نژاد و یک قوم با دیگر نژادها و قوم‌ها.

بیشتر مذهب‌های ادیان ابراهیمی فهم و تفسیر کتاب آسمانی را ویژه روحانیون می‌دانند. در حکومت‌های دینی مثل جمهوری اسلامی ایران، طالبان افغانستان و داعشِ شام، ولایت روحانیون بر مردم و بردگی و بی‌حقی مطلق مردم توجیه می‌شود.

یهودیان خود را برگزیده خدا می‌پندارند، اسلام برای قبیله قریش حق سروری و سیدی قائل است و در قرآن حضرت محمد در پاداش به زحمتی که جهت پیامبری کشیدند، یک درخواست ناچیز دارد، تا ابد همه کسانی از نژاد، ژن، تخم و ترکه او هستند، بدون اینکه به گفتار، کردار و رفتار آنها توجه کنید، دوست بدارند. هزاران حدیث وجود دارد که قبول عبادت مسلمانان دوستی خاندان محمد یعنی قبیله قریش است:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَیهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَى (سوره ۴۲: الشورى، آیه‌ی ۲۳)

بگو برای کار پیامبری از شما مزدی نمی‌خواهم، بجز اینکه خویشاوندان و تخم و ترکه‌ی مرا دوست داشته باشید. (سوره‌ی شورى، آیه‌ی ۲۳)

قرآن کرامت انسان و تساوی حقوق انسان‌ها را نمی‌پذیرد. تبعیض‌های گوناگون دیگری را به رسمیت می‌شناسد، از آن میان برتری مرد مسلمان بر زن مسلمان، برتری مسلمانان بر اهل کتاب و خداناباوران و پذیرش برده‌داری.

در اسلام برده‌داری مجاز است. پیامبر و خلفا همه برده داشتند. برده و آزاد برابر نیستند. برده بدون اجازه برده‌دار، حق انتخاب همسر ندارد. تجاوز جنسی به بردگان حق برده‌دار مسلمان است:

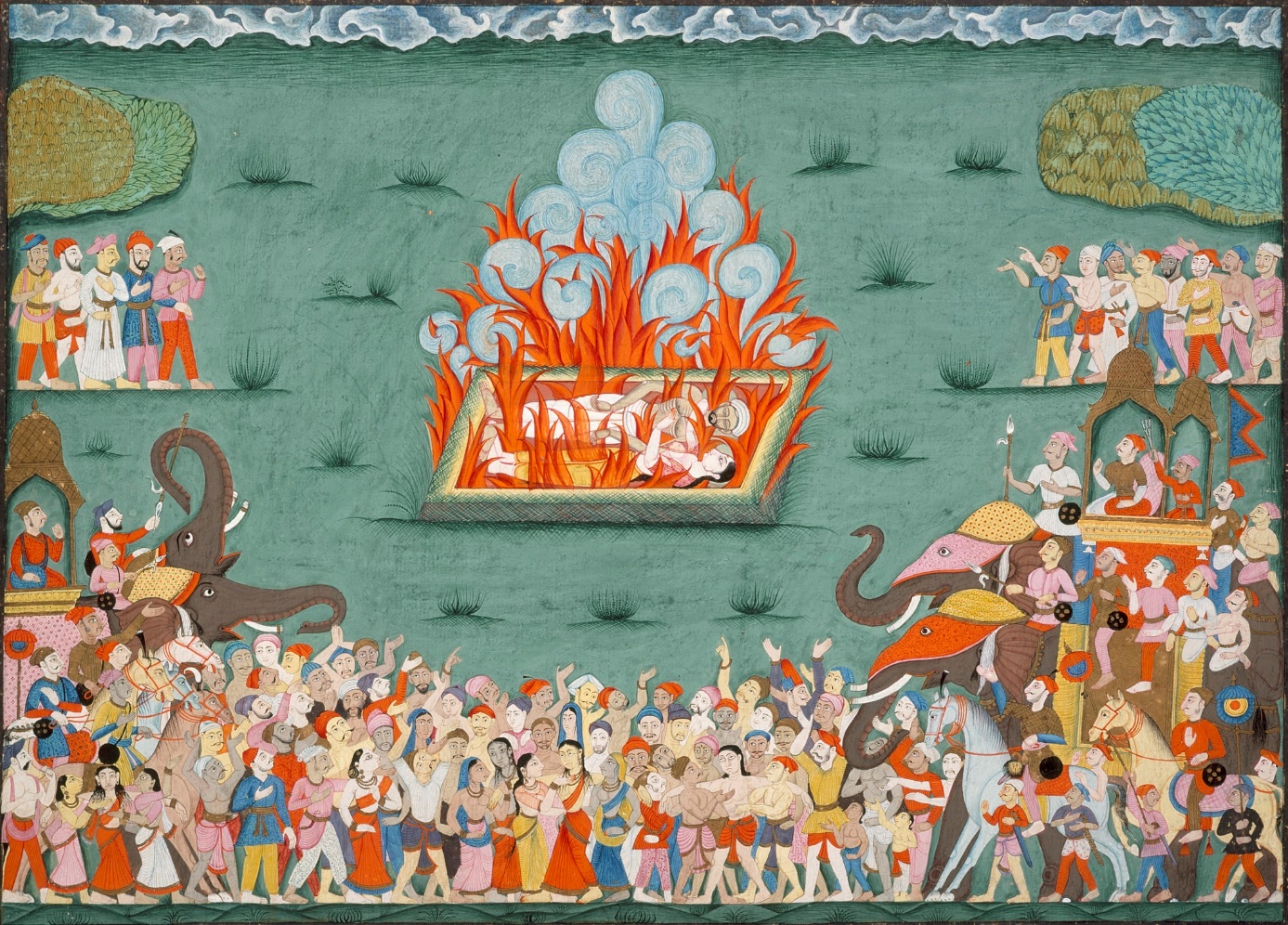
ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا یقْدِرُ عَلَى شَیءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ ینْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ یسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا یعْلَمُونَ (سوره ۱۶: النحل، آیه‌ی ۷۵)

خداوند مثلى مى‏زند، آیا برده‏اى زرخریدی كه قدرتِ هیچ كارى را ندارد با کسی که به او روزى درست و حسابی بخشیده‏ایم و او پنهان و آشكار از این روزی مى‏بخشد، برابرند؟ نه، خداوند را شکر، برابر نیستند، بیشترین‏شان از این حقیقت آگاه نیستند. (سوره نحل، آیه‌ی ۷۵)

## ستیز با برابری زن و مرد

پژوهش‌ها نشان می‌دهد، در آغاز تمدن بشر زنان و مادران نقش اساسی در خانواده و جامعه داشتند.[[24]](#footnote-24) اما ادیان، به ویژه ادیان ابراهیمی سعی در محدود کردن نقش زنان و اعمال تبعیض بر آمدند و در کتاب‌های مقدس و قوانین شرعی سعی در مهار توانمندی و محدود کردن آزادی و برابری زنان و زشت‌انگاری زنانگی، احساسات و تمایلات جنسی زنان دارند.

در آیین مذهبی هندو‌ها برای زن پس از مرگ شوهر حق حیات قائل نیستند. در رسم ساتی[[25]](#footnote-25)، که یک فریضه دینی محسوب می‌شود، زن را پس از مرگ شوهر با او آتش می زنند.



زنده سوزاندن زن پس از مرگ شوهر در آئین هندو

در عرصه محدود کردن زنان، اسلام سنگ تمام گذاشته است، از حجاب، تا سرپرستی فرزندان، از ارث تا قضاوت و شهادت در دادرسی تا ممنوعیت برخی مشاغل، محرومیت از فعالیت اجتماعی، نصف برادر ارث بردن، از نداشتن حق طلاق تا تحمل سه همسر دیگر شوهرش.

اسلام برتری مطلق مرد بر زن را تبلیغ و ترویج می‌کند:

وَلِلرِّجَالِ عَلَیهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِیزٌ حَكِیمٌ (سوره ۲: البقرة، آیه‌ی ۲۲۸)

مردان بر زنان چندین درجه برترى دارند.

مردان حتی بر همسر خویش و مادرِ فرزندان خود نیز برتری دارند:

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ (سوره ۴: النساء، آیه‎ی ۳۴)

شوهران از زنان برتر و صاحب اختیار آنها هستند، زیرا خداوند بر آنها برترى بخشیده است، و نیز به این دلیل كه مردان از اموال خویش هزینه‌ی زندگی زنان را می پردازند. (سوره النساء، آیه‎ی ۳۴)

در اسلام و قرآن زن و همسر یک انسان نیست. بخشی از اموال و املاک مرد است. خدای مهربان می‌فرماید زن کشتزار تو است. هر طور که می‌خواهی در آن وارد شو. آیا می‌شود توهین‌آمیز‌تر از این راجع به یک انسان سخن گفت؟ تعجب من از حضرت محمد نیست که این حرف را در جامعه بدوی حجاز می‌زند. شگفتی من از انسان‌هائی است با آشنائی با کرامت، ارزش و حقوق انسان، باز به این آیات باور دارند و حتی برای این آیات دیگران را می‌کشند:

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ (سوره ۲: البقرة، آیه‌ی ۲۲۳)

زنان شما کشتزار شما هستند. پس هر زمان و به نحوی که دوست دارید وارد این کشتزار خودتان شوید. فقط به خواست خودتان ارزش قائل شوید. (سوره بقرة، آیه‌ی ۲۲۳)

## ستیز با اندیشیدن سنجشگرانه

اندیشیدن سنجشگرانه، بررسی دقیق اطلاعات، قضاوت‌ها و استدلال‌هایی است که می‌شنویم و یا می‌خوانیم. مذهب پاسخ‌ها و راه حل‌های ساده و گاه عوام‌فریبانه به پرسش‌ها و مسائل پیچیده داده است. از اینرو تمام سعی خود را بکار می‌گیرد که مومن اصول و فروع مذهب را زیر نشانه‌ی پرسش نبرد و وارد هزارتوی [[26]](#footnote-26)شک، پرسش و تفکر مستقل نشود. شک، پرسیدن، اعتراض‌کردن و برگشتن از مذهب، در اسلام مجازات بسیار سختی دارد. اگر هزاران سال مومن و خداشناس باشی و اگر یک‌بار شک کنی همه‌ی سابقه‌ی و پس‌انداز خود را از دست می‎دهی. شیطان یکبار پرسید: چرا من که از جنس آتشم باید انسان را که از جنس خاک است سجده کنم؟ تمام سابقه‌اش از بین رفت و کافر شد.

خدا از زبان محمد پرسشگران را تهدید به شکنجه دائمی می‌کند که هنوز ضرب شست مرا ندیده‌اند که گستاخی و جسارت می‌کنند:

أَأُنْزِلَ عَلَیهِ الذِّكْرُ مِنْ بَینِنَا بَلْ هُمْ فِی شَكٍّ مِنْ ذِكْرِی بَلْ لَمَّا یذُوقُوا عَذَابِ (سوره ۳۸: ص، آیه‌ی ۸)

آنهائی که در باره قرآن شک می‌کنند، هنوز عذاب و شکنجه مرا را نچشیده اند. (سوره ص، آیه‌ی ۸)

## تقدس‌آفرینی، جزم‌اندیشی و سازش‌ناپذیری

دین پیروانش را جزمی و خرافاتی تربیت می‌کند و در نتیجه مردم با انواع اکتشافات علمی و پیشرفت تکنولوژیکی مخالفت می کنند. جامعه را به بخش‌های مختلف تقسیم می کند و مانع پیشرفت اجتماعی و اقتصادی می شود.

دین پیروانش را سرنوشت‌باور و تقدیرگرا بار می‌آورد. به‌ویژه در ادیان ابراهیمی که خدا به ‌همه چیز از قبل آگاه است و این آگاهی ازلی و ابدی را نمی‌توان تغییر داد. آنها به جای تلاش و ایمان به آفریندگی خود، اعتقاد به خواست خدا را دارند و معتقدند كه همه چیز از قبل مقدر شده است. این نوع تفکر آنها را تنبل و بی‌تفاوت می‌کند و در نتیجه پیشرفت زندگی آنها و جامعه مختل می شود و همیشه این انتظار وجود دارد که کسی بیاید و به زندگی آنها سروسامان دهد.

سازش‌ناپذیری و خودحق‌پنداری در ادیان وقتی به سپهر اجتماع راه پیدا کند، منجر به بنیادگرائی می‌شود، درگیری‌های خشونت‌آمیز، بی‌نظمی و ناامنی اجتماعی و پایمال‌شدن حقوق فردی. افراطگرایان با خشونت درپی تحمیل عقاید و مناسک خود به دیگران هستند. آنها در همه ادیان به ویژه در فرقه‌های دین‌های مسیحی، یهودی و اسلامی دیده‌ می‌شوند. در دنیای امروز با جابجائی وسیع درون کشورها و مهاجرت‌های میلیونی بنیادگرائی مشکل بزرگ ملی و جهانی است.

زمینه اصلی رشد بنیادگرائی مذهبی، وجودنداشتن یک پاسخ روشن و ساده به مشکلات بنیادی چون فقر گسترده، عقب‌ماندگی برخی کشورها و پرسش‌های پیچیده‌ی هستی از یک سو و ارائه پاسخی ساده و آرمانی از سوی بنیادگرایان است. تودها‌ی ناآگاه به مسائل پیچیده اقتصادی اجتماعی و فاقد تجربه اجتماعی-سیاسی و کار جمعی، به سادگی پاسخ‌های روشن و ساده و در بیشتر موارد مقدس پنداشته‌ را می‌پذیرند و بسیج می‌شوند. از اینرو، تعصب و نارواداری در جوامع فقیر، ناآگاه با عدم تجربه سیاسی متشکل درجامعه بسیار زیاد است.

## توجیه جنایت،خشونت، تهمت و دروغ

مومن با ایمان به مذهب و باطل و کافر دیدن دیگران، به یک خودحق‌پنداری و نارواداری بیمارگونه می‌رسد. او به‌نام رضای خدای خود، می‌تواند با وجدانی آسوده دست بهر جنایتی بزند. (این مطلب راجع به سرسپردگان به ایدئولوژی‌ها نیز صادق است.) کشتارهای خلخالی و گیلانی، قتل‌های زنجیره‌ای و اعدام دسته‌جمعی زندانیان عقیدتی-سیاسی ایران در تابستان ۱۳۶۷، فقط با این خودحق‌پنداری بیمارگونه قابل درک است.

دین انواع گوناگون کردارهای بی‌معنی و غیرانسانی را توجیه و ترویج می‌کند. قربانی کردن حیوانات به ویژه عید قربان مسلمانان که در یک زمان حیوانات بی‌شماری برای خواست خودخواهانه رسیدن به بهشت، حوری و غلمان نابود می‌کنند. توجیه و رواداشتن برده‌داری در اسلام و سیستم کاست و نجس‌ها در مذهب‌های هندی از این دسته کردارهای غیرانسانی با ریشه‌ی مذهبی هستند.

دورکیم برای دین سه کارکرد عمده در جامعه بر می‌شمارد:

* یکپارچگی و انسجام اجتماعی برای حفظ همبستگی اجتماعی از طریق برگزاریِ آیین‌ها و اعتقادات مشترک
* کنترل اجتماعی برای اجرای اخلاق و هنجارهای مذهبی‌بنیاد برای کمک به حفظ همسانی و همگون‌گردانی و کنترل در جامعه
* معنی و هدف بخشیدن به زندگی با پاسخ به همه‌ی پرسش‌های بنیادی و وجودی[[27]](#footnote-27)

انسان از تعمیم و تحریف این اندیشمند سده بیستم شگفت‌زده می‌شود.

کنترل اجتماعی برای اخلاق به چه قیمتی؟ به قیمت باورکاوی[[28]](#footnote-28) کلیسای کاتولیک.

همبستگی به چه منظوری؟ برای سازمان دادن جنگ صلیبی، همبستگی برای سازمان دادن کشتار سن‌بارتلِمی[[29]](#footnote-29). در این کشتار و سرکوب گسترده و خونین پروتستان‌های کالوینیست فرانسوی در دوران جنگ‌های مذهبی فرانسه، در سال ۱۵۷۲، در چند روز، بین ۱۰ هزار تا ۷۰ انسان قتل عام شدند.[[30]](#footnote-30)



نقاشی فرنسوا دوبویس (François Dubois 1529 – 1584) از کشتار سن‌بارتلِمی

در قرآن آمده است که خدای مقلب القلوب والابصار، از دست اقوامی چون عاد، ثمود، ایکه و لوط عصبانی شد همه را از دم، زن، مرد و کودک حتی حیوانات را نابود کرد. قابل درک نیست که خدا چگونه بندگان خود را به جان هم می‌اندازند. یک پیغامبر می‌فرستد و بعد از آن پیغامبری دیگر با پیام‌های در دشمنی با پیغمبر خودش. اسلام دشمنی غیرقابل درکی با یهودیت دارد و آیه‌های به شدت کینه‌توزانه علیه یهودان نازل شده است. به نظر می‌رسد خدا از بندگان خودش سخن نمی‌گوید، بلکه از بندگان خدای دیگری سخن می‌گوید:

وَقَالَتِ الْیهُودُ یدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَیدِیهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ یدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ ینْفِقُ كَیفَ یشَاءُ وَلَیزِیدَنَّ كَثِیرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَیكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْیانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَینَا بَینَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى یوْمِ الْقِیامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَیسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا یحِبُّ الْمُفْسِدِینَ (سوره ۵: المائدة، آیه‌ی ۶۴)

و یهودان گفتند که دست خدا بسته است. دستهای خودشان بسته باد و به سزای گفتار باطلشان لعنت بر آنان باد؛ هر دو دست خدا همواره باز است هر گونه بخواهد، روزی می دهد. و مسلماً آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، بر سرکشی و کفر آنان می افزاید. و ما میان آنان [منظور یهودان، مسیحیان و پیروان مذهب‌های دیگر است] تا روز قیامت کینه و دشمنی انداختیم. هر زمان آتشی جنگی افروختند خدا آن را خاموش کرد، و همواره در زمین برای فساد می کوشند، و خدا مفسدان را دوست ندارد. (سوره المائدة، آیه‌ی ۶۴)

در سال ۲۳۵ هجری متوکل، خلیفه عباسی حرم امام حسین را ویران کرد. سنی‌ها در دهم ماه محرم (عید غدیر) سال ۱۲۱۶ هجری به شهر کربلا حمله و آنرا غارت کردند. در این جنگ ۸ ساعته بین ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر انسان قتل عام شدند.[[31]](#footnote-31) آیا خدای شیعیان و سنی‌های یکی نیست؟ چگونه اعتقادات مذهبی آنها را اینقدر قسی‌القلب کرده است؟

شاه اسماعیل صفوی بعد از تصرف تبریز با آنکه تبریزی‌ها هیچ مقاومتی نکردند، بسیاری از مردم شهر را قتل عام کرد و اعلام نمود که از این پس مذهب مردم تحت فرمان من، شیعه دوازده امامی است. هر کس اصول این مذهب جدید را قبول نداشته باشد از دم تیغ خواهد گذشت. او در برابر مردم تبریز چنین گفت: مرا باین کار هدایت کردند، خدای عالم و ائمه‌ی معصومین همراه من هستند، من از هیچ‌کس باک ندارم، به توفیق الله تعالی اگر رعیت حرفی بگوید شمشیر می‌کشم و یک تن را زنده نمی‌گذارم.

در کتاب تاریخ عالم آرای صفوی می‌خوانیم: اسماعیل فرمود از هر خانه‌ای یک پشته‌ی چوب بیآورید، هیزم بسیار جمع نمودند، هر کس که علی ولی الله می‌گفت، شاه او را ملازم خود می‌کرد و هر کس که نمی‌گفت او را در آتش می‌انداختند و می‌سوخت.

شاه اسماعیل اول، بعد از غلبه بر الوند میرزاى بایندرى در سال ۹۰۷ ه.ق. دستور داد تا خلفای سه گانه (یعنى ابوبکر، عمر و عثمان) را در کوى و بَرزن لعنت کنند و «هر کس خلاف کند سرش از تن بیندازند.» (احسن التواریخ روملو، ص ۶۱).

شاه اسماعیل وقتی بر کیا حسین چلاوى، فرمانرواى مازندران، پیروز شد، او را که در دژ فیروزکوه پناه جسته بود، بعد از قتل عام ده هزار تن از طرفدارانش، در قفسى آهنی محبوس ساخت و آن بیچاره از اضطرار گردنش را بر یکى از سیخ‌هاى سرتیز قفس چنان فشرد تا مرد. با این حال جسد او را همچنان در قفس به همراه سپاه تا اصفهان بردند و در آنجا آتش زدند. (حبیب السیر، ج ۴، ص ۴۷۸)

امیر حسن روملو درباره برخورد شاه اسماعیل با شیبک خان ازبک مى‏نویسد: «بعضى از ملازمان موکب همایون در میان کشتگان شیبک خان را یافتند که از غلبه مردم خفه شده جان تسلیم کرده بود. خاقان اسکندرشأن همان لحظه فرمود که سر پُر شَرّ او را از بدن جدا ساخته پوست کندند و پُر کاه کرده به سلطان بایزید پادشاه روم فرستادند و استخوان کله‏اش را در طلا گرفته قدحى ساختند و در آن جام شراب ریخته در مجلس بهشت‌آیین به گردش در آوردند. (احسن التواریخ، ص ۱۲۲)

شاه اسماعیل مدعی بود این گونه رفتار و کردار را با کسب دستوراتی که از «حضرت ائمه» گاه در بیدارى و گاه در رؤیا دریافت می‌کند، انجام می‌دهد.



برگی از کتاب تاریخ الفی

## از کار انداختن احساس و وجدان

در مذهب شیعه از کسی که مذهب شیعه از او نام گرفته («شیعه علی» یعنی پیرو علی) تعریف می‌کنند که در یک روز حضرت علی ۷۰۰ نفر را سر برید[[32]](#footnote-32). هفتصد انسان نه هفتصد گوسفند. با این سرمشق چه نوجوان و جوانی را می‌خواهند در جامعه معاصر تربیت کنند؟

یعنی اگر حضرت علی برای کشتن هر انسان یک دقیقه وقت صرف کرده باشد، در یک حدود ۱۲ ساعت مشغول سر بریدن بود. زهی به عطوفت و زهی دین رحمانی.

## توجیه بی‌عدالتی اجتماعی

مذهب به شکل‌های گوناگون بی‌عدالتی و بیدادگری اجتماعی را توجیه و قابل تحمل و قابل قبول می‌کند و یا به آن مشروعیت می‌بخشد. مذهب این امید نسیه را به مومنان می‌دهد که اینها که در حال حاضر ظلم می‌کنند و یا غارت می‌کنند در آن دنیا مجازات می‌شوند و شما که مومنان گرسنه و ستمدیده و احجاف‌شده در دنیا دیگر حوری، غلمان و جوی شیر و عسل در انتظار شماست.

از جانب دیگر، روحانیون و متولیان دیگر مذهب خود را نمایندگان و جانشینان پیامبر خدا معرفی می‌کنند و از این‌رو خدمت به و پیروی از روحانیون را خدمت به و پیروی از خدا قلمداد می‌کنند.

مذهب با اعتقاد به قادر مطلق بودن خدا، وضع موجود آنها را نتیجه‌ی روابط اجتماعی ناسالم و نادادگر نمی‌بیند، بلکه آن‌را خواست خدا قلمداد و در تمکین به بی‌عدالتی نقش بنیادی بازی می‌کند.

## حیوان‌پنداری غیرهم‌کیشان

برای مومن غیرهم‌کیش نجس، غیرانسان و مستجوب آتش در دنیا و آخرت است. با حیوان‌پنداری و ناانسان‌انگاری[[33]](#footnote-33) مومن ‌می‌تواند با هم‌نوع خود هر کاری بکند. به این خبر بیاندیشید:

طالبان جسد فرمانده نابینای پلیس را از قبر بیرون آورده و سربریده‌اند. (مطبوعات ۹ دی ۱۳۹۹)

این خشونت رهنمود مستقیم دین اسلام است. خود خدا با خشمی باورنکردنی از عذاب بندگانش به دست بندگانش می‌گوید و از زبان حضرت محمد می‌فرماید:

قَاتِلُوهُمْ یعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَیدِیكُمْ وَیخْزِهِمْ وَینْصُرْكُمْ عَلَیهِمْ وَیشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِینَ (۱۴) وَیذْهِبْ غَیظَ قُلُوبِهِمْ وَیتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ یشَاءُ وَاللَّهُ عَلِیمٌ حَكِیمٌ (سوره ۹: التوبة، آیه ۱۵)

با آنان (غیر مسلمانان و یا مسلمانانی که شما فکر می‌کنید مسلمان نیستند) بجنگید تا خدا آنان را به دست‏ شما شکنجه کند و رسوایشان نماید و شما را بر ایشان پیروزى ‏بخشد و دلهاى مؤمنان را خنك‏ گرداند (۱۴) و خشم دلهایشان را ببرد و خدا توبه هر كه را بخواهد مى ‏پذیرد و خدا داناى حكیم است (۱۵)

## «ما» و «آنها» کردن‌های غیرانسانی و ویران‌ساز

یکی از برجسته‌ترین ویژگی دین ایجاد دیوار عبورناپذیر بین «ما»ی برحق و «آنها»ی باطل است. ما و آنها نه تنها بین ادیان گوناگون صورت می‌گیرد، بلکه بین مذهب‌های یک دین هم بسیار رایج است.

ایجاد ستیز بین ما و آنها هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی از آغاز پیدایش دین‌ها تا امروز ادامه دارد و بشریت از این ما و آنها سازی لطمات جبران ناپذیری دیده است.

مذهب بین یک گروه هماهنگی ظاهری بوجود می‌آورد. چرا می‌گویم ظاهری برای اینکه وقتی با همین برادر دینی خودش اختلاف پیدا کند مثل گوسفند سرش را می‌برد. یک ارزش بیش از اندازه و اغراق‌آمیز به پیروان خودش می‌دهد و همزمان دیگران را از ارزش خالی می‌کند. این غیرانسان‌کردن یا حیوان‌کردن دیگران، راه را برای خشونت مذهبی باز می‌کند. از اینجا مذهب نمی‌تواند حقوق بشر را بپذیرد.

مرز عبور ناپذیر بین «ما» و «آنها» کشیدن رهبران مذهبی انگیزه و توجیه اغلب حرکت‌های تروریستی، خشونت و جنگ بوده است. خدای مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ با خشم بی‌نظیری در قرآن علیه خداناباوران، مشرکان، بت‎پرستان، منافقان و اهل کتاب سخن می‌گوید. اهل کتاب یا باید کشته شوند، یا مسلمان شوند و یا با ذلت و خواری جزیه بپردازند.

خدای قرآن، بندگانش را به دوستی و آرامش فرا نمی خواند بلکه به جنگ و راهزنی و غارت فرا می‌خواند. برای همین هر جا اسلام آمد جنگ و خونریزی هم آمد و ماندگار شد. خدا تشویق به غنیمت می‌کند. لازمه غنیمت‌گرفتن، جنگ‌کردن است:

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَیبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ (سوره ۸: الأنفال، آیه‌ی ۶۹)

پس از هر چه غنیمت گرفتید بخورید که حلال است، و از خدا بترسید، که خدا بخشنده و مهربان است. (سوره انفال، آیه‌ی ۶۹)

## تن‌پروری و امید واهی

باور مذهبی، در مقیاس وسیع‌تر جهان‌بینی ما، در چگونگی برخورد با مشکلات و برآوردن نیازمان تاثیر اساسی دارد. زمانی که فرد به یک خدای قادر که پست و بلندی جهان دست اوست، باور دارد، تمام توان خود را برای غلبه برمشکل به‌کار نمی گیرد. برای حل مشکل به دعا متوسل می‌شود و توکل به خدا می‌کند. برای درمان بیماری به‌جای پزشک به امامزاده متوسل می‌شود.

چگونگی برخورد مذهب با کار و تولید، بر وجدان کاری و به‌کارگیری خلاقیت ثاثیر بنیادی دارد. کاتولیک‌ها و مسلمانان توکل به خدا را تبلیغ می‌کنند و فقر را فضیلت می‌شمارند و نابرابری را مقدر می‌دانند. اما، پروتستانت‌ها تشویق به کار سخت و مصرف بدور از اسراف می‌کنند، به‌ویژه فرقه‌های کالوینیسم، پیئتیسم (زُهدباوری) و باپتیست[[34]](#footnote-34). ماکس وبر در پژوهشی وسیع تاثیر سخت‌کوشی و کاردوستی پروتستانت‌ها را در گسترش و رشد سرمایه نشان می‌دهد[[35]](#footnote-35). او نشان می‌دهد سخت‌کوشی و دوراندیشی پروتستانت‌ها چگونه هم زمینه انباشت سرمایه و هم وجدان کاری ایجاد کرد و هم کارگران منضبط برای رشد صنعتی تربیت کرد.

همه چیز دست خدا بودن، توکل در اسلام و باور به روزی‌رسان بودن خدا و «همان کس که دندان دهد، نان دهد» آینده‌نگری را از مومن می‌گیرد. به راحتی تشویق و تبلیغ آوردن فرزندان زیاد را می‌پذیرد بدون اینکه فکر کند آیا بهداشت، مسکن، کار، مدرسه، تحصیل و ... برای فرزندان تدارک دیده است یانه؟ خدا قادر به همه چیز و خدا روزی‌رسان است. پس باید فقر و ظلم و خواری را پذیرفت:

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِی الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِیدِكَ الْخَیرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ (سوره ۳: آل عمران، آیه‌ی ۲۶)

بگو خداوندا، اى فرمانفرماى هستى، به هركس كه بخواهى فرمانروایى می‌بخشى و از هركس كه بخواهى فرمانروایى را می‌گیری، و تویى كه هركس را كه بخواهى گرامى می‌دارى و هركسى را كه بخواهى خواركنى. همه‌ی خوبی‌ها به دست توست، تو بر هر كار توانایى‏ (سوره ۳: آل عمران، آیه‌ی ۲۶)

در جای دیگر دارایی و ناداری را خواست خدا می‌داند. این مومن راستین با خواندن این آیه دیگر چه انگیزه‌ای برای کار کردن دارد. تنها کاری که مانده حرف روحانیون شیعه را گوش کند به سر و سینه خودش بزند و اگر پولی دستش رسید به جای به کار انداختن آن پول در تجارت یا تولید، به زیارت برود و در کار خدا دخالت نکند:

أَوَلَمْ یرَوْا أَنَّ اللَّهَ یبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یشَاءُ وَیقْدِرُ إِنَّ فِی ذَلِكَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یؤْمِنُونَ (سوره ۳۰: الروم، آیه‌ی ۳۷)

آیا نمی‌دانید که این خداوند است که روزى هر كسی را كه بخواهد زیاد و هر كسی كه بخواهد را کم مى‏کند، بى‏شك در این کار براى اهل ایمان مایه‏ى عبرت است‏. (سوره روم، آیه‌ی ۳۷)

حافظ بزرگ که قرآن را در چهارده روایت از بر می‌خواند هم بر این سرنوشت‌باوریِ فلج‌کننده پافشاری می‌کند و شاعرانه می‌فرماید:

گر رنج پیشت آید و گر راحت ای حکیم نسبت مکن به غیر که این‌ها خدا کند

مذهب و روحانیون به عنوان سخنگویان مذهب، در بیشتر موارد که دنیای به کام آنهاست، تبعیض و نابرابری را توجیه می‌کنند و به ستمدیگان و گرسنگان وعده بهشت می‌دهند. قرآن حتی آرزوی زندگی بهتر را کفر می‌داند. حضرت محمد از سوی خدا می‌فرماید:

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ (سوره ۴: النساء، آیه‌ی ۳۲)

و آرزو چیزى نكنید كه خداوند به بعضى از شما برتر و بیشتر به دیگرى بخشیده است. (سوره نساء، آیه‌ی ۳۲)

## دست‌اندازی به مراسم و آیین‌های مردم

مردم هزاران سال پیش از پدید آمدن مذهب، تولد را جشن ‌می‌گرفتند، از مرگ غمگین می‌شدند، ازدواج می‌کردند و مراسم برای مناسبت‌های دیگر زندگی داشتند. معلوم نیست به چه مجوزی روحانیون کنترل این مراسم را بدست گرفتند و از این مناسبت‌ها برای خود هم درآمدکافی دست و پا کردند و هم به قیمت فقر مردم پیوسته شکمی از عزا در می‌آورند.

جای شگفتی است دورکیم این اداره مراسم‌ها را بخشی از کارکرد مثبت دین می‌شمارد، بدون آنکه به پیشی و پسی مراسم‌ها و دین توجه کند.

## جمع‌بندی

برای روشن‌شدن کارکرد دین در جامعه باید بین کارکرد نخسین آن در جوامع باستان و کارکرد امروزین آن و بین کارکرد دین در زندگی خصوصی و رابطه انسان‌ها با خدای خود و کارکرد اجتماعی دین در سپهر عمومی تمایز قائل شد. ابزار انسان‌های نخستین دوران پارینه‌سنگی را می‌توان امروز هم از آن استفاده کرد. آیا با پیشرفت ابزارسازی انسان، عاقلانه است از ابزار دوران پارینه‌سنگی استفاده کنیم؟

آیا زمانی که حقوق بشر، کرامت انسانی، آزادی ادیان، رواداری و دموکراسی را می‌شناسیم تاکید بر ارزش‌های دینی و ایمانی در جامعه، سیاست و علم عاقلانه است؟

با بررسی عملکرد و سابقه تاریخی همبستگی اجتماعی با هویت مذهبی و با عملکرد جمهوری اسلامی ایران، طالبان، داعش و بوکوحرام باید در جامعه دنبال عناصر همبستگی‌آور دیگر چون قراردادها، قوانین وضعی مبتنی بر کرامت انسان‌ها و حقوق بشر بود و عملکرد مذهب را به اعتقاد شخصی و رابطه هر فرد با خدای خود و یافتن آرامش فردی محدود کرد.

کارکرد مغزشویانه مذهب و باورهای مذهبی در جامعه معاصر را در حملات تروریستی انتحاری، خودکشی دسته‌جمعی و یا کشتار دیگران بهتر می‌بینیم.

دین و مذهب نیازهای اجتماعی، روانی و یا معنوی عده‌ای را برآورده می کند. آنها با آزادی کامل مذهب باید و می‌توانند در زندگی خصوصی خود مراسم مذهبی خود را بجا بیاوردند و خدای خود را پرستش کنند ولی آنها نباید و نمی‌توانند شریعت مذهب خود را در جامعه به دیگران تحمیل کنند.

سکولاریسم مخالف دین نیست. خواهان ریشه‌کن کردن دین نیست. بسیاری از اندیشمندان مبتکر سکولاریسم، خود مومنان بسیار معتقدی بودند. سکولاریسم تلاشی است برای آزادی همه ادیان. تلاشی است برای جلوگیری از تحمیل شریعت یک مذهب بر اکثریت جامعه. تلاشی است برای همزیستی مسالمت‌آمیز همه‌ی ادیان و مذاهب، خداباوران و خداناباوران و جلوگیری از جنگ و خونریزی. تلاشی است برای اتحاد و همبستگی گسترده مردم برای ساختن جامعه و مبارزه با فقر و بیماری و جهل و حوادث طبیعی.

انقلاب بهمن ۱۳۵۷ زیان‌های کلان و جبران‌ناپذبر انسانی، فرهنگی، علمی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مالی داشت ولی، بی‌گمان یک دستاورد بزرگ داشت. توهم توده‌ها به توان روحانیت شیعه در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران را زودود و ماهیت اجتماعی حکومت دینی و حومت شرعی را آشکار کرد. همواره و در همه‌ی حرکت‌های اجتماعی مردم ایران در تاریخ معاصر، روحانیت ادعای حکومت و حل مشکل داشت. در انقلاب بهمن با سرکوب خونین امکان حکومت دینی را پیدا کرد. با تجربه تاریخی حکومت دینی جمهوری اسلامی، طالبان، داعش، سومالی ماهیت مذهب در سپهر اجتماعی و عملکرد قوانین شرعی در دوران معاصر آشکار و زمینه برای تشکیل یک حکومت سکولار در ایران بیش از هر زمان دیگر فراهم شد. توده‌های مومن و مردم به ستوه‌آمده از حکومت ولایت فقیه، باید صدای خود را بلند کنند برای گذار از حکومت دینی و تشکیل یک حکومت سکولار مبتی بر قوانین وضعی مبتنی بر حقوق بشر و کرامت انسان و آزادی همه‌ی ادیان در صف‌های احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌ها در یک جبهه گسترده متشکل و دست بکار شوند.

۱۷ اسفند ۱۳۹۹ - ۷ مارس ۲۰۲۱

احد قربانی دهناری

گوتنبرگ، سوئد

[ahad.ghorbani@gmail.com](mailto:ahad.ghorbani@gmail.com)

<http://ahad-ghorbani.com>

<https://t.me/AhadGhorbaniDehnari>

<http://www.facebook.com/ahad.ghorbani.dehari>

1. Karl Marx, Émile Durkheim, Max Weber [↑](#footnote-ref-1)
2. Peter Berger, Rodney Stark, John Caputo [↑](#footnote-ref-2)
3. social cohesion [↑](#footnote-ref-3)
4. Renaissance [↑](#footnote-ref-4)
5. Age of Enlightenment [↑](#footnote-ref-5)
6. Fake news [↑](#footnote-ref-6)
7. disenchantment vs reenchantment [↑](#footnote-ref-7)
8. Pope Pius X [↑](#footnote-ref-8)
9. Council of Vigilance [↑](#footnote-ref-9)
10. تکیه‌گاه [↑](#footnote-ref-10)
11. هلاک گردیدن [↑](#footnote-ref-11)
12. زنده و باقی نگه‌داشتن [↑](#footnote-ref-12)
13. استوار [↑](#footnote-ref-13)
14. Polio vaccines [↑](#footnote-ref-14)
15. Existential Questions [↑](#footnote-ref-15)
16. راست‌ودرست‌گوینده، درستکار [↑](#footnote-ref-16)
17. کسی که بر راه غلط و عقیدۀ نادرست است؛ خطاکار. [↑](#footnote-ref-17)
18. بیان، تشریح، توجیه، تعبیر، تفسیر، توضیح [↑](#footnote-ref-18)
19. Individualism [↑](#footnote-ref-19)
20. این مفهوم هم در فارسی و هم در انگلیسی مترادف‌های گوناگون دارد: خودپنداره، خودپنداشت یا خودانگاره - self-concept, self-construction, self-identity, self-perspective or self-structure [↑](#footnote-ref-20)
21. Triandis, H. C., & Gelfand, M. J. (1998). Converging measurement of horizontal and vertical individualism and collectivism. Journal of Personality and Social Psychology, 74(1), 118–128. [↑](#footnote-ref-21)
22. Father Figure [↑](#footnote-ref-22)
23. egotism [↑](#footnote-ref-23)
24. نگاه کنید به:

    Stone, Merlin (1976). When God was a Woman. New York: Dial Press.

    Laurel Zwissler (2012). "Feminism and Religion: Intersections between Western Activism, Theology and Theory" in Religion Compass, Theory and Method section. 6 (7): 354–368. [↑](#footnote-ref-24)
25. این سنت دینی غیر انسانی از تاریخ ۱۸۲۹غیر قانونی شد. هر چند برخی از مومنان هندو هنوز هم این فریضه غیر قانونی ادا می‌کنند. [↑](#footnote-ref-25)
26. Labyrinth [↑](#footnote-ref-26)
27. Durkheim, Émile. (1964). [The elementary forms of religious life.](http://www.gutenberg.org/files/41360/41360-h/41360-h.htm) Translated by J. Swain. Glencoe, IL: Free Press. Retrieved Feb, 2021, from <http://www.gutenberg.org/files/41360/41360-h/41360-h.htm> (original work published 1915) [↑](#footnote-ref-27)
28. Inquisition [↑](#footnote-ref-28)
29. St. Bartholomew's Day massacre [↑](#footnote-ref-29)
30. Knecht, Robert J. (2002). The French religious wars: 1562-1598. Oxford: Osprey Publishing Limited. [↑](#footnote-ref-30)
31. Khatab, Sayed (2011). [*Understanding Islamic Fundamentalism: The Theological and Ideological Basis of Al-Qa'ida's Political Tactics*](https://books.google.com/books?id=KBYnDAAAQBAJ&q=1802+fall+of+karbala&pg=PA74). UK: Oxford University Press. [↑](#footnote-ref-31)
32. گوش کنید به [سخنرانی خمینی](https://youtu.be/oOuLnh9LCss). [↑](#footnote-ref-32)
33. Dehumanization [↑](#footnote-ref-33)
34. Calvinism, Pietism, Baptism [↑](#footnote-ref-34)
35. نگاه کنید به:

    Weber, Max. (1958). The Protestant ethic and the spirit of capitalism. Translated by Talcott Parsons. New York: Charles Scribner’s Sons. (original work published 1905) [↑](#footnote-ref-35)